

فرماندهی معظم کل قوا؛ مهم‌تر از شناختن دشمن، شناختن دشمنی و روش دشمنی کردن اوست. اگر انسان بداند دشمن از چه راهی وارد می‌شود، حواس خود را جمع خواهد کرد. همه دشمن را می‌شناسند. امروز، دشمن ملت ایران و دشمن استقلال و آزادی او، دولت استکباری و متکبر آمریکاست. (۱۳۸۱/۰۹/۱)

## عملگرایی راهبردی در روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه<sup>۱</sup>

ابراهیم متقی<sup>۲</sup>، زهره پوستین‌چی<sup>۳</sup>، سعید مجردی<sup>۴</sup> و امیر حیات‌مقدم<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۵

### چکیده

روسیه از جمله بازیگران سیاست بین‌الملل است که در شکل‌بندی‌های قدرت نظام جهانی به‌عنوان نیروی تأثیرگذار - تأثیرپذیر ایفای نقش می‌نماید. درک روابط ج.ا.ایران و روسیه در چارچوب همکاری‌های راهبردی، نیازمند شناخت نگرش جهانی و منطقه‌ای بازیگران است. ج.ا.ایران مانند روسیه با الگوی توزیع قدرت در سیاست جهانی مخالف دارد. در چنین شرایطی این پرسش را می‌توان مطرح کرد که همکاری‌های ایران و روسیه دارای چه ویژگی‌هایی می‌باشند؟ به‌نظر نگارندگان، عملگرایی راهبردی به‌عنوان محور اصلی روابط ج.ا.ایران و روسیه در حوزه‌های مختلف جغرافیایی تحلیل می‌گردد. تحقق این امر، نیازمند «ائتلاف‌سازی»، «بی‌طرف‌سازی راهبردی»، «همکاری‌های راهکنشی» و «موازنه‌سازی ساختاری» با بازیگرانی مانند روسیه می‌باشد که دارای رویکرد ژئوپلیتیکی در الگوهای کنش همکاری‌جویانه و یا رقابتی در سطح بین‌المللی می‌باشند.

**واژگان کلیدی:** همکاری‌های دفاعی، عملگرایی راهبردی، ائتلاف‌سازی، کنش رقابتی.

۱. این مقاله برگرفته از یافته‌های یکی از طرح‌های تحقیقاتی انجام شده در مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی ارائه شده است.

۲. استاد دانشگاه تهران

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رودهن

۴. دانشجوی دکترای مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

۵. رئیس یکی از گروه مطالعاتی در مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی

## ۱. کلیات

ضرورت‌های راهبردی ایجاب می‌کند که کشوری مانند ایران که از الگوی «عدم تعهد ایدئولوژیک» در روابط خارجی خود بهره می‌گیرد، شناخت دقیقی درباره بازیگران محیط پیرامونی و بین‌المللی داشته باشد. شناخت محیطی به‌عنوان گام اول تنظیم راهبرد دفاعی تلقی می‌گردد. دومین گام در شناخت محیطی مربوط به درک راهبردی از مواضع و الگوی رفتار بازیگران در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. روسیه در زمره بازیگران تأثیرگذار در سیاست جهانی بوده که همواره از انگاره‌های ژئوپلیتیکی و رویکرد عمل‌گرایانه در برخورد با ج.ا.ایران بهره گرفته است.

### ۱-۱. طرح مسئله

الگوهای کنش دفاعی و راهبردی در روابط ج.ا.ایران و روسیه براساس ضرورت‌های اقتصادی، راهبردی و بین‌المللی قابل تبیین و ارزیابی می‌باشد. ایران دارای روابط تاریخی با روسیه تزاری، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و فدراسیون روسیه بوده است. ضرورت‌های محیط جغرافیایی و الگوی کنش راهبردی را باید به‌عنوان بخشی از مؤلفه‌هایی دانست که هدف‌های امنیتی کشورها را شکل می‌دهند. تنظیم روابط راهبردی با روسیه را باید به‌عنوان بخشی از سیاست ژئوپلیتیکی، دفاعی و امنیتی ج.ا.ایران دانست. فروش تسلیحات به‌عنوان یکی از سازوکارهای تأمین منابع اقتصادی برای روسیه تلقی می‌شود. در سال‌های دهه ۱۹۹۰، فروش تسلیحات به ایران، ماهیت راهکنشی (تاکتیکی) داشته و خارج از چارچوب راهبردی تلقی می‌شد. طرح موضوع همکاری‌های راهبردی ایران و روسیه از سال ۱۳۷۸ توسط وزارت دفاع پیگیری شد. اگرچه ایران از رویکرد معطوف به همکاری فراگیر و تصاعدی‌بنده با روسیه برای مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای بهره می‌گیرد، اما واقعیت آن است که چنین فرایندی با تغییرهای مرحله‌ای روبه‌رو گردیده است.

مقام‌های راهبردی روسیه، بخشی از سیاست دفاعی و امنیتی خود در روابط با جمهوری اسلامی ایران را براساس سازوکارهای نظام بین‌الملل تنظیم می‌نمایند. در چنین شرایطی است که دیپلماسی اجبار جهان غرب و رژیم صهیونیستی منجر به شکل‌گیری فرایندی گردید که روسیه محدودیت‌هایی را در برخورد با ایران اعمال نموده است. عدم تحویل موشک‌های اس ۳۰۰ و همچنین عدم همکاری سازنده در ارتباط با نیازهای آمادی و پشتیبانی، برای قطعات مربوط به هواپیماهای نظامی را باید در زمره مؤلفه‌ها و نشانه‌هایی دانست که معطوف به عدم همکاری سازنده روسیه با ایران در محیط بین‌المللی است.

اگرچه روسیه چالش‌های مستقیم راهبردی و امنیتی محدودی در برابر ج.ا.ایران ایجاد کرده است، اما در تأمین نیازهای راهبردی ایران برای ایفای نقش در نظام جهانی، ترجیح داده تا از الگوهای عملگرایانه استفاده نماید. گفتنی است که در این مقاله، جایگاه بین‌المللی روسیه و همچنین نقش قدرت‌های بزرگ در اتخاذ سازوکارهای همکاری جویانه با یکدیگر در زمره عواملی محسوب می‌شود که به‌عنوان مفروض و عامل واپایش (کنترل) فرایند رفتاری تلقی خواهد شد.

## ۲-۱. پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی مقاله آن است که الگوی روابط راهبردی ج.ا.ایران و روسیه براساس چه رهیافت‌هایی شکل گرفته است؟

## ۳-۱. فرضیه تحقیق

با توجه به پرسش‌های اصلی و فرعی مطرح‌شده، می‌توان این فرضیه را مورد بررسی و آزمون قرار داد که «روابط ج.ا.ایران و روسیه براساس نشانه‌هایی از عملگرایی راهبردی

شکل گرفته است. ضرورت‌های ژئوپلیتیکی و الگوی کنش روسیه در سیاست بین‌الملل، شاخص‌های اصلی عملگرایی راهبردی در روابط با ج.ا.ایران را منعکس می‌سازد.»

#### ۴-۱. روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل داده‌های تاریخی و هنجاری استفاده شده است. در نگرش امنیت فرانونین، هنجارها از جایگاه مهمی در سیاستگذاری امنیتی برخوردار هستند. تجربه روابط ج.ا.ایران و روسیه، بیانگر جلوه‌هایی از «شرق‌شناسی»<sup>۱</sup> در الگوی کنش دیپلماتیک و راهبردی بوده است. چنین نشانه‌هایی را می‌توان در دوران‌های مختلف تاریخی به‌ویژه دوران دفاع مقدس و یا سال‌های مذاکرات هسته‌ای در قالب گروه ۱+۵ مشاهده کرد. روش مبتنی بر تحلیل داده‌های تاریخی و هنجاری می‌تواند واقعیت‌های رفتاری روسیه در برخورد با ج.ا.ایران را منعکس سازد. در تمامی این دوران‌های تاریخی، روسیه، ایران را به‌عنوان رقیب ژئوپلیتیکی تلقی نموده و از راهبرد «موازنه ضعف» بهره گرفته است. ویژگی‌های اصلی موازنه ضعف را باید در محدودسازی قابلیت‌های راهکنشی مورد توجه قرار داد. در چنین شرایطی، هرگونه همکاری دفاعی و راهبردی، تابعی از ضرورت‌های موازنه قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود.

#### ۲. ادراک‌های تاریخی و تحلیلی در تبیین روابط راهبردی ج.ا.ایران و روسیه

درباره الگوی رفتاری روسیه در برخورد با ایران، رویکردهای مختلفی وجود دارد. برخی از مقام‌های روسیه بر این اعتقادند که چنین الگویی از روابط مبتنی بر ضرورت‌های راهبردی و نیازهای ژئوپلیتیکی می‌باشد. در حالی که در بین تحلیلگران و مقام‌های ایرانی رویکردهای متفاوتی در ارتباط با الگوی روابط روسیه و ایران ارائه شده است. بسیاری از تحلیلگران ایرانی بر این اعتقادند که روسیه دارای نگرش عمل‌گرایانه

بوده و هرگونه الگوی کنش تعاملی با ایران را براساس منافع اقتصادی و ضرورت‌های راهبردی تنظیم می‌نماید.

### ۲-۱. نقش اسطوره‌ها در تبیین روابط ج.ا.ایران و روسیه

یکی از شاخص‌های مؤثر در تحلیل روابط راهبردی براساس ادراک تاریخی را باید موضوع اسطوره‌ها دانست. اعتقاد به اسطوره‌های مربوط به سیاست خارجی روسیه یا شوروی و نسبت دادن تأثیر شدید انگیزه‌ها یا نقشه‌های بزرگ جاه‌طلبانه بر ارزیابی سیاستگذاران این کشور، نسل اندر نسل، بسیار بیش از شرایط واقعی این دوران خاص می‌باشد. بسیاری از اوقات، سیاست خارجی یک کشور می‌تواند غیرعقلانی تلقی شود، ولی در بیشتر موارد در سیاست خارجی روسیه تزاری یا شوروی، این گرایش به دلیل فقدان شواهد واقعی و یا به دلیل اعتقاد به انگیزه‌های مشخص غیرعقلانی، آشکار می‌شود که معیار عدم تأیید این سیاست‌هاست (کدی و گازپوروسکی، ۱۳۷۸: ۷۵).

همواره موضوع اسطوره‌ها و افسانه‌ها می‌تواند بر فرهنگ سیاسی کشورها تأثیرگذار باشد. فرهنگ سیاسی از قابلیت لازم برای اثربخشی بر نیروهای اجتماعی برخوردار است و پیوند گروه‌هایی را امکان‌پذیر می‌سازد که دارای قابلیت لازم برای اثرگذاری بر کنش سیاسی می‌باشد. در ادبیات یونان، «کلیو» به‌عنوان الهه تاریخ محسوب می‌شد. الهه تاریخ در اساطیر یونان برای دیپلمات‌های کشورهای دیگر هم آزاردهنده است؛ چون گزینه‌های سیاسی آنها را نیز محدود می‌سازد.

در نگرش نظریه‌پردازان روسیه، ج.ا.ایران، کشوری پنداشته می‌شود که توجه به غرب به‌طور جدی برای آن مهم است و هر آن، ممکن است با برقراری ارتباط با جهان غرب و به‌ویژه آمریکا به جمع محاصره‌کنندگان روسیه بپیوندد. از طرفی، فقدان آشنایی جامعه روسیه با ایران، باعث شده که آن را به‌عنوان تهدید بنگرند؛ به‌گونه‌ای که در

نظرسنجی‌ها نگاه به ایران چندان دوستانه نیست؛ البته رسانه‌های غربی نیز در ایجاد ترس متقابل ایرانیان و روس‌ها از یکدیگر مؤثر بوده‌اند.

آنچه تاکنون از شرق‌شناسی روسیه منتشر گردیده، بیانگر نگرش بدبینانه نسبت به جامعه، ساختار سیاسی و الگوهای رفتاری ایران می‌باشد. برخی نظرسنجی‌ها حکایت از آن دارد که نگاه مثبتی نسبت به ایران در میان مردم روسیه وجود ندارد و آنجا که بحث تهدیدها مطرح می‌شود، همه مسلمانان از جمله ایران پس از آمریکا و چین قرار می‌گیرند. همچنین در یک نظرسنجی دیگر که «بنیاد افکار عمومی روسیه» در ۲۲ و ۲۳ آوریل ۲۰۰۶ انجام داده، ۳۷ درصد پرسش‌شوندگان، ایران را دوست و ۲۷ درصد آن را غیردوست دانسته و ۳۶ درصد هم نظری نداشته‌اند (Baklitsky, April 2013: 5). نشانه‌های یادشده بیانگر آن است که اسطوره‌های تاریخی تأثیر خود را در ذهنیت اجتماعی روسیه و هر کشور دیگری به‌جا می‌گذارد. با توجه به ادراک عمومی مردم و نخبگان روسیه نسبت به چگونگی تعامل با ایران، نشانه‌هایی از عملگرایی راهبردی در برخورد با جمهوری اسلامی مشاهده می‌شود؛ عملگرایی راهبردی بیانگر الگویی می‌باشد که بازیگران مسلط تلاش دارند تا هدف‌های امنیتی خود را از طریق سازوکارهای معطوف به موازنه‌گرایی، ائتلاف، همکاری و یا تعارض با بازیگران منطقه‌ای پیگیری نمایند.

## ۲-۲. رویکرد موازنه‌گرا در روابط ج.ا.ایران و روسیه

نگرش مبتنی بر موازنه‌گرایی، بخشی از واقعیت راهبردی در تبیین روابط ج.ا.ایران و روسیه می‌باشد. موازنه‌گرایی، رهیافتی واقع‌گرایانه در تبیین سیاست خارجی، امنیت و دفاع خواهد بود. در نگرش مبتنی بر موازنه‌گرایی، ایران بازیگری متعهد به ضرورت‌های راهبردی روسیه محسوب نمی‌شود، بنابراین معادله قدرت را می‌توان به‌عنوان بخشی از واقعیت‌های تحلیلی سیاست راهبردی ایران و روسیه دانست.

براساس چنین نگرشی، رویکرد ایران و روسیه، تابعی از معادله قدرت در سیاست جهانی خواهد بود.

سازوکارهای موازنه‌گرا در همکاری‌های راهبردی ایران و روسیه براساس انگاره‌های مختلفی شکل می‌گیرد. براساس این انگاره‌ها، هرگاه دولت ایران، قدرتمند بوده است، با هر ماهیتی و حکومتی، روس‌ها روابط خوبی با آن داشته‌اند، همچنین هرگاه دولت ایران ضعیف بوده، روس‌ها تردیدی در بهره‌برداری از وضعیت داخلی ایران به خود راه نداده‌اند. از سوی دیگر، هرگاه دولت روسیه، ضعیف بوده، بیشتر متمایل به همکاری با ایران بوده است، همچنین در زمانی که منافع روسیه اقتضا کرده است، آنها در سازش با غرب به زیان ایران، تردیدی به خود راه نداده‌اند» (سجادپور، بهار ۱۳۷۴: ۳۲).

### ۲-۳. رویکرد همکاری‌گرا در روابط ج.ا.ایران و روسیه

همکاری می‌تواند براساس هدف‌ها و ضرورت‌های راهبردی تبیین شده و انجام پذیرد. چنین رویکردی از سوی برخی از مراکز پژوهشی ج.ا.ایران و همچنین برخی از شخصیت‌های سیاسی روسیه پیگیری می‌شود. براساس چنین نگرشی، روابط ج.ا.ایران و روسیه را نمی‌توان در قالب جمع‌جبری صفر تبیین نمود. روابط ایران و روسیه در عرصه بازی دنیا به گونه‌ای نیست که روسیه روابط با ایران را نادیده بگیرد، ولی این یک موضوع جدی است که اگر شرایط بین‌المللی تغییر کند، ممکن است تحولی در نگاه روس‌ها ایجاد شود.

براساس چنین نگرشی، ایران و روسیه نیازمند تقویت کادر متخصص دیپلماتیک و مطالعاتی برای تقویت همه‌جانبه روابط متقابل می‌باشند. اگر چنین اقدامی انجام شود، در آن شرایط، گزاره‌های تحلیلی ایران و روسیه براساس حداقل‌های امکان‌پذیر، تحلیل می‌شود. در این ارتباط باید دانست که نظام جهانی مبتنی بر معادله قدرت بوده و ایران نباید انتظار داشته باشد که روسیه نسبت به ضرورت‌های همکاری با آمریکا بی‌تفاوت

باشد. همچنین روسیه، ایران را در قالب بازیگر منطقه‌ای تحلیل می‌کند، بنابراین نقش جهانی برای ایران قائل نمی‌باشد. از سوی دیگر، روسیه از آمادگی همکاری با ایران در حوزه‌های فناوریانه و صنعتی برخوردار است و نکته پایانی اینکه، روسیه نسبت به سیاست‌های آمریکا نارضایتی دارد، اما چنین رویکردی به مفهوم نادیده گرفتن هدف‌ها، منافع و الگوهای راهبردی ایالات متحده تلقی نمی‌شود (بلینگتون، ۱۳۸۵: ۲۷).

#### ۴-۲. رویکرد محدودسازی مرحله‌ای و واپایش روابط ج.ا.ایران و روسیه

بیان چنین نگرشی به مفهوم آن است که ایران نباید از سازوکارهای توسعه روابط با روسیه بهره‌گیری نموده و نسبت به تعامل با سایر کشورها بی‌توجه باشد. براساس چنین نگرشی، نباید همه تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد قرار داد. دیپلماسی روسیه به صورت سنتی، اهل دادوستد است و اگر در مقابل، مزایای بیشتری برای خود ببیند، از تغییر مواضع ابایی ندارد. روسیه در مورد خزر، انتقال انرژی از ایران در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، نظر مساعدی نسبت به ج.ا.ایران ندارد.

انگاره محدودسازی در روابط ایران و روسیه براساس برخی از نشانه‌های تاریخی، ایدئولوژیک و تحلیلی انجام می‌گیرد. براساس این نگرش، ضرورت‌های محدودسازی روابط با روسیه به این دلیل مطرح گردیده که روسیه نگرش مثبتی برای گسترش سازوکارهای همکاری راهبردی با ایران ندارد. روابط روسیه و ایران براساس نشانه‌هایی از همکاری مرحله‌ای می‌باشد. روسیه نسبت به سیاست ایران در رابطه با اوپک گازی، منتقد بوده، بنابراین همکاری چندانی در ارتباط با موضوع انتقال انرژی از ایران نخواهد داشت. همچنین، روسیه نسبت به تحرک سیاسی و امنیتی ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز خوش‌بین نبوده و رویکرد ایرانی را معطوف به تعامل بحران‌ساز با بازیگران منطقه‌ای می‌داند (باوند، ۱۳۸۸: ۴۵).



### ۲-۵. رویکرد بدبینانه نسبت به همکاری‌های راهبردی پایدار با روسیه

برخی از نظریه‌پردازان ایرانی و روسیه دارای دیدگاه بدبینانه نسبت به الگوی همکاری پایدار و بادوام با دیگری می‌باشند. در بین کتاب‌ها و ادبیات تولیدشده درباره روسیه می‌توان به مواردی اشاره داشت که نشانه‌های بدبینانه نسبت به سیاست روسیه در برخورد با ایران را منعکس می‌سازند. براساس این نگرش، همکاری روسیه با ایران براساس ضرورت‌ها و نیازهای راهبردی از جمله موضوع‌های هویتی، نیازهای امنیت منطقه‌ای و ضرورت‌های اقتصادی انجام شده است.

برخی دیگر از تحلیلگرانی که دارای نگرش بدبینانه نسبت به همکاری‌های راهبردی با روسیه هستند، بر عقب‌ماندگی فنی و راهکنشی روسیه تأکید دارند. در چنین نگرشی، کشورهایی که از قدرت مؤثر و تأثیرگذار در سیاست بین‌الملل برخوردار نباشند، تمایل چندانی به انعطاف‌پذیری راهبردی در برابر ایران ندارند. براساس این نگرش، روسیه و غرب دارای الگوی همکاری راهبردی می‌باشند. آنان دارای رقابت بین‌المللی هستند، اما ترجیح می‌دهند تا روابط منطقه‌ای خود را براساس ضرورت‌های سیاست بین‌الملل تنظیم نمایند. روابط روسیه با آمریکا و اروپا به گونه‌ای در هم تنیده که هیچ‌گاه روسیه منافع خود را تحت تأثیر الگوی روابط خاص با ایران قرار نمی‌دهد. همچنین، تجربه تنظیم رژیم حقوقی دریای خزر نشان داد که روسیه، تمایلی به تحرک ژئوپلیتیکی ایران در منطقه ندارد (کولایی، بهار ۱۳۸۴: ۲۵).

### ۳. فرایند تحول در الگوهای روابط و همکاری ج.ا.ایران و روسیه

زیربنای تاریخ روابط ایران و روسیه مربوط به دوران پترکبیر می‌باشد. آنچه به‌عنوان وصیت‌نامه پترکبیر بیانگر بوده را باید یکی از عوامل اصلی و بنیادین تأثیرگذار بر ذهنیت تاریخی ایران نسبت به روسیه دانست. مرحله دوم در تحول نگرش بدبینانه ایران نسبت به روسیه را باید مربوط به سال‌های امپراتوری کاترین دانست. کاترین نیز

دارای نگرش توسعه‌طلبانه بوده و به این ترتیب تلاش داشت تا زمینه‌های لازم را برای گسترش حوزه ژئوپلیتیکی روسیه به مناطق همجوار این کشور فراهم سازد. در چنین فرایندی، نشانه‌هایی از تضاد، مشاهده می‌شود (Baidatz, 2001: 43).

موج جدیدی از تحول روابط ج.ا.ایران و روسیه را می‌توان مربوط به سال‌های پایانی قرن ۱۹ دانست. در این دوران نشانه‌هایی از «بازی بزرگ ژئوپلیتیکی» در روابط روسیه و انگلستان در برخورد با ایران ایجاد شد. چنین فرایندی، آثار خود را در ارتباط با زیرساخت‌های واپایش نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران به جا گذاشت. به‌طور کلی، هرگاه روندهای معطوف به توسعه حوزه نفوذ جهان غرب ایجاد شود، روسیه نیز تلاش نموده است تا موقعیت خود را از طریق موازنه‌گرایی راهبردی در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران تثبیت نماید.

### ۳-۱. نقش مؤلفه‌های هویتی و ژئوپلیتیکی در تحلیل تاریخی روابط ج.ا.ایران و روسیه

مؤلفه‌های هویتی و ژئوپلیتیکی در زمره عوامل مؤثر در شکل‌گیری اسطوره‌ها و الگوهای کنش راهبردی روسیه محسوب می‌شود. برخی از نظریه‌پردازان شرق‌شناس در روسیه بر این اعتقادند که چنین رویکردی، تابعی از ضرورت‌های رقابت راهبردی روسیه و انگلیس در قرن ۱۹ می‌باشد. آنان بر این اعتقادند که انگلستان برای عملیات روانی از چنین مفاهیمی بهره می‌گیرد. هرگونه عملیات روانی می‌تواند در قالب مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی تحلیل شود. باوجود این تلاش‌های ارزشمند، اعتقاد به وصیت‌نامه پتر همچنان وجود دارد. روزنامه کریستین ساینس مانیتور درباره تجاوز شوروی به افغانستان، چنین واکنشی داشت: «اگر پتر کبیر زنده بود، به جانشینان خود در کرملین افتخار می‌کرد ... اگر او زنده بود می‌دید که ... آنان مطابق خواسته او عمل می‌کنند. او از جانشینان خود خواسته بود که پس از او به سمت جنوب، قسطنطنیه و

هندوستان حرکت کنند. به نظر او هر کس بر این نواحی حاکم شود، بر کل جهان حاکم می‌گردد» (Christian Science Monitor, 1971: 1).

در روایت دیگری نیز به ایران توجه می‌شود: «روسیه باید با ایران بجنگد و به سوی خلیج فارس پیش برود تا تجارت شرق و غرب را تحت واپایش خویش درآورد و بر این اساس بر اروپا تسلط یابد.» مجله تایم نیز هنگامی که به بررسی و ارزیابی شرایط ایران در زمان اخراج شاه از کشور پرداخت، این نکته را مورد اشاره قرار داد. به عقیده نویسنده مقاله تایم، وصیت‌نامه پتر کبیر حاکی از عقیده به انگیزه‌های ذاتی است که فراتر از ملاحظه‌های سیاسی معمولی می‌روند: «مسائل با دوران تزارها تفاوتی پیدا نکرده است» (Rees & Aldrich, 2005: 684).

برخی از تحلیلگران، نگرش متفاوتی درباره شاخص‌های سیاست خارجی روسیه در برخورد با ایران دارند. براساس چنین نگرشی، این تمایل و اشتیاق افسانه‌ای از دوران پتر و کاترین ریشه گرفته، نادرست می‌باشد. تمایل‌های پترکبیر به ایران در سواحل دریای خزر تمرکز یافته بود. او امیدوار بود با ایران و هندوستان به تجارت بپردازد، ولی می‌خواست این اقدام را در مناطق شمالی انجام دهد، نه اینکه از طریق دسترسی مستقیم به خلیج فارس آن را عملی سازد. به همین ترتیب، گرایش‌های عمده کاترین در مورد ایران نیز در نواحی شمالی یعنی سواحل دریای خزر و قفقاز متمرکز شده بود (Bayman, 2001: 34).

هنگامی که مقام‌های روسی از چشم‌اندازهای کشور خود در خلیج فارس، گلایه داشتند، به‌ندرت دیدگاه‌های آنان با نگرش یادشده انطباق می‌یافت. در چنین مواردی، وسوسه دسترسی به آب‌های گرم در سیاست روسیه به چشم نمی‌خورد. در پایان قرن ۱۹، روسیه و عوامل آن در بخش‌های گوناگون ایران از جمله در استان جنوب‌شرقی آن (سیستان) برای انگلستان دشواری‌های بسیاری به‌وجود آوردند. عوامل روسیه به گردآوری اطلاعات می‌پرداختند و در پی افزایش نفوذ این کشور بودند (George, 1979: 66).

اگرچه چنین اقدام‌های به‌درستی از سوی گروه‌های دیگر مورد توجه قرار می‌گرفت، ولی در حد خود، اثبات‌کننده این نبود که سن‌پترزبورگ و یا مسکو قصد دارد با اقدام‌های جسورانه در آن سوی استان‌های شمالی که روسیه در آن دارای نفوذ قابل توجهی بود، درگیری خود را در مسائل ایران به سوی سواحل جنوبی این کشور، توسعه دهد؛ آنها برای چنین پیشروی‌هایی انگیزه‌های لازم را نداشتند.

تمایل کنت ویت به توسعه اقتصادی روسیه از طریق بهبود صادرات (از جمله به بازارهای آسیایی - ارتباطی) انگیزه‌های دیرین نداشت، بلکه این همان نگرشی بود که او نیز مانند بسیاری از هم‌تایان غربی خود به آن توجه داشت. مهم‌ترین تمایل و آرزوی او در مورد جنوب ایران، ایجاد یک خط لوله نفتی از باکو در قفقاز روسیه به سوی یک منطقه نامشخص در سواحل خلیج فارس بود. هدف او به‌دست آوردن یک مسیر کم‌هزینه‌تر برای روسیه بود تا بتواند نفت خود را به بازارهای آسیایی انتقال دهد. به این ترتیب، قیمت آن را برای رقابت مناسب‌تر نماید و راه را برای روسیه بگشاید تا بتواند در تجارت خلیج فارس با انگلستان رقابت کند. در نهایت، ویت با اکراه از این طرح صرف‌نظر کرد؛ زیرا اولویت مهم‌تری مطرح شد و آن نیل به یک توافق با ایران بود که امید می‌رفت به‌وسیله آن، نفوذ روسیه بر حکومت تهران افزایش پیدا کند (Hansen, 2000: 32).

## ۲-۳. عملگرایی اقتصادی در روند همکاری‌های اتحاد شوروی با ایران

با استقرار حکومت کمونیستی در روسیه، رهبران شوروی کوشیدند با همسایگان جنوبی به‌نسبت ضعیف خود، تفاهم و سازش برقرار نمایند تا به انزوای دیپلماتیک خود پایان دهند و چشم‌اندازهای تیره و ناامیدکننده انقلاب در اروپا را با ایجاد شورش‌های ضداستعماری، زندگی دوباره بخشند. آنها وسوسه داشتن بنادری در آب‌های گرم را در سر نداشتند. در واقع تا اواخر دهه ۱۹۳۰، نیروی دریایی شوروی به دفاع از آب‌های ساحلی شوروی توجه داشت. در پایان جنگ جهانی دوم، با توجه به منابع محدود

دریایی، دفاع از سواحل شوروی تنها مسئله‌ای بود که اتحاد شوروی می‌توانست آرزوی آن را داشته باشد.

روابط ایران و اتحاد شوروی در سال‌های پایانی حکومت رضاشاه با نشانه‌هایی از بدبینی و تضاد همراه بود. تحول در چنین روابطی، معطوف به دورانی بود که زمینه برای جابه‌جایی قدرت در ایران به‌وجود آمد. تبعید رضاشاه، اشغال ایران و به قدرت رسیدن محمدرضا شاه را باید در زمره عواملی دانست که تاریخ جدید روابط ایران و اتحاد شوروی را شکل می‌دهد. در این دوران تاریخی، شکل جدیدی از بازی بزرگ در روابط ژئوپلیتیکی اتحاد شوروی، جهان غرب و ایران ظهور یافت. این امر نشان می‌دهد که مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی در دوران‌های مختلف تاریخی می‌تواند اعاده گردد.

مقام‌های اتحاد شوروی، در یادداشتی که هم‌زمان با هجوم به ایران به تهران فرستادند، به ماده ۶ معاهده ۱۹۲۱ اشاره کردند. هم‌زمان با این اوضاع و احوال، وقایع سیاسی مهمی در آذربایجان و کردستان رخ داد. در روز ۱۲ شهریور ۱۳۲۴، فرقه دموکرات آذربایجان به رهبری جعفر پیشه‌وری با انتشار بیانیه‌ای مشتمل بر یک مقدمه و ۱۲ ماده که حاوی نظرات اساسی مؤسسان فرقه بود، موجودیت خود را به‌طور رسمی اعلام داشت.

از میان رفتن هرگونه دورنمایی برای تجدید حیات حکومت پیشین روسیه با این دگرگونی در شرایط، انطباق دارد. همچنین، منشور سازمان ملل، همه اعضای خود را از اینکه حاکمیت کشور دیگری را تهدید کنند و یا نیروی نظامی برای مداخله در آن به‌کار برند و یا تمامیت ارضی آن را مورد تهدید قرار دهند، بازمی‌دارد. منشور ملل متحد نسبت به همه قراردادهایی که اعضای سازمان امضاء کرده‌اند و مواد آن با منشور در تعارض قرار می‌گیرد، اولویت دارد، بنابر این معیار نیز، ماده ۶ به‌طور مشروع قابل لغو شدن بود (Ivanov, 2002: 45).

با وجود این، اتحاد شوروی بارها از سال ۱۹۲۱ این ماده را مورد بهره‌برداری قرار داده است و در پاسخ نیز به یادداشت توضیحی یادشده استناد نشده است. برجسته‌ترین مورد آن مربوط به سال ۱۹۴۱ می‌شود که این ماده به‌عنوان یکی از دلایل توجیه تجاوز شوروی به شمال ایران مورد استفاده قرار گرفت. این تجاوز و مداخله با هماهنگی انگلستان انجام شد؛ چرا که هر دو کشور در شکست دادن آلمان نازی، بیش از هر عاملی بر حفظ حاکمیت ایران تأکید داشتند.

از دهه ۱۹۵۰ اتحاد شوروی، نیروی دریایی خود را گسترش داد و در بسیاری از نقاط جهان و از جمله در خلیج فارس به عملیات پرداخت. این مسئله ممکن است برای ایالات متحده سبب ایجاد یک نگرش منفی نسبت به آن باشد، ولی تغییردهنده این واقعیت نیست که قدرت دریایی شوروی نه محصول تمایل‌های قدیمی بلکه ناشی از تحولات ویژه دوران تاریخی خاص است. این تحولات دربردارنده تصمیم شوروی برای ایجاد یک نیروی دریایی درخور و شایسته قدرتی بزرگ است که بتواند ظرفیت و توانایی این کشور را برای ضربه‌زدن به ناوگان‌های دریایی بیگانه افزایش دهد که می‌توانند از فاصله زیاد به خاک و قلمرو شوروی حمله کنند، سلطه بلامنازع دشمن بر دریاها را از میان ببرد و همچنین بتواند از نیروی دریایی، نه تنها برای هدف‌های نظامی بلکه در جهت هدف‌های سیاسی از قبیل حمایت از دولت‌های دست‌نشانده و اعمال نفوذ بر کشورهای دیگر استفاده کند (Legrold, Oct-Dec 2006: 11).

مسائل مربوط به ملی شدن نفت نیز خیلی به این روابط لطمه نزد. در واقع، این سیاست خروشچف مبنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز بود که بیشترین تأثیر را بر روابط دو کشور داشت. از نگاه خروشچف، مادامی که ایران سیاست خارجی خود را در درون بلوک غرب تعریف کرده بود، هرگونه فشار بر آن، به وابستگی بیشتر تهران می‌انجامد. در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ که جامعه، بی‌ثبات و با اغتشاش‌ها، اعتراض‌ها و قیام‌های

مردمی علیه رژیم روبه‌رو بود، اتحاد جماهیر شوروی یا سکوت اختیار کرد و یا اینکه به‌صورت رسمی از دولت ایران و اصلاحات و اقدام‌های او حمایت نمود.

سفر برژنف، دبیرکل حزب کمونیست در سال ۱۳۴۲، نشان‌دهنده بی‌توجهی مسکو به تحولات داخلی ایران بود. در واقع، شوروی نه از نظر ایدئولوژی بلکه با در نظر گرفتن منافع یک ابرقدرت به ایران توجه داشت. برخورداری ایران از حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا و نزدیکی مسکو و واشنگتن در اوایل دهه ۱۳۴۰ بی‌تردید در صدور اعلامیه ۲۴ شهریور ۱۳۴۱ اسدالله علم، نقش تعیین‌کننده داشت. تأسیس اوپک و تلاش ایران به همراهی سایر کشورهای مؤسس اوپک در سیاست قیمت‌گذاری نفت به مثابه نوعی تلاش در جهت کاهش وابستگی ایران به غرب توسط شوروی‌ها ارزیابی می‌شد (زادوخین، ۱۳۸۴: ۷۵).

محمدرضا شاه برای روشن کردن هر چه بیشتر مسائل و به‌منظور رفع کدورت‌های حاصل از امضای عهدنامه عراق و شوروی، در مهر ۱۳۵۱ (اکتبر ۱۹۷۲) برای سومین بار به مدت ۱۰ روز به مسکو سفر کرد. او در مصاحبه‌ای که در پی این دیدار با خبرنگاران انجام داد، عهدنامه دوستی شوروی و عراق را زنگ خطری مهم برای تقویت نیروهای مسلح ایران خواند و افزود: «اگر مسکو خواستار تشنج‌زدایی واقعی در اروپا می‌باشد، باید این سیاست را در خلیج فارس نیز اجرا کند؛ زیرا امنیت اروپا بدون وجود ثبات و امنیت خاورمیانه، موضوع مسخره‌ای بیش نخواهد بود» (فریدمن، تابستان ۱۳۸۱: ۶۳).

مسافرت پهلوی به مسکو جدا از برطرف شدن کدورت‌ها، دو دستاورد اقتصادی - صنعتی بسیار مهم در پی داشت: یکی عقد قرارداد ۱۵ ساله بازرگانی و اقتصادی و دیگری، افتتاح مجتمع ذوب‌آهن اصفهان. توازی که در روابط دوجانبه ایران و شوروی پس از عهدنامه ۱۵ ساله سال ۱۳۵۱ به‌وجود آمده بود، در روندی همه‌جانبه ادامه یافت. در این دوران، حجم مبادله‌های تجاری ایران و شوروی، سالیانه به یک میلیارد دلار بالغ می‌شد.

### ۳-۳. عملگرایی دیپلماتیک در رویکرد اتحاد شوروی به انقلاب اسلامی ایران

در اواخر دهه ۱۹۷۰، دیپلماسی ایران براساس نشانه‌هایی از همکاری‌های چندجانبه سیاسی و ژئوپلیتیکی با اتحاد شوروی قرار داشته است. چنین روابطی را باید تابعی از ضرورت‌های راهبردی ایران و شوروی در سال‌های پس از جنگ سرد و حضور ایران در پیمان دفاعی بغداد و سنتو دانست. شکل‌بندی‌های روابط ایران و اتحاد شوروی در سال‌های پایانی حکومت محمدرضاشاه براساس تعادل، ثبات، همکاری و رقابت ژئوپلیتیکی شکل گرفته بود (سجادپور، بهار ۱۳۷۴: ۲۹).

پس از هشدار برژنف به آمریکا برای عدم مداخله در امور ایران، رسانه‌های این کشور به تبلیغات گسترده در مورد نقش و نفوذ بیگانگان در ایران و احتمال آن پرداختند. در ۱۶ دی ۱۳۵۷ (۶ ژانویه ۱۹۷۹) روزنامه ایزوستیا به یادآوری مفاد قرارداد ۱۹۲۱ دو کشور ایران و اتحاد شوروی پرداخت. طبق نوشته این روزنامه، این قرارداد همچنان روابط دو کشور را تنظیم می‌کرد. معنای این یادآوری، آن بود که نه تنها در صورت تجاوز به ایران، بلکه در صورت هرگونه مداخله‌ای که امنیت اتحاد شوروی و مرزهای جنوبی آن را مورد تهدید قرار دهد، این کشور حق اقدام مستقیم نظامی علیه آن را خواهد داشت.

### ۳-۴. عملگرایی راهبردی اتحاد شوروی در جنگ ایران و عراق

نگرش ج.ا.ایران و اتحاد شوروی درباره موضوع‌های منطقه‌ای از جمله بحران در افغانستان و سازوکارهای مدیریت بحران، هماهنگی نداشت. مسکو همچنین در مورد نیروهای هوادار ایران در افغانستان که دعوت افغانستان برای آتش‌بس را نمی‌پذیرفتند و نیز در مورد نوشته‌های روزنامه «جمهوری اسلامی» مبنی بر اینکه جمهوری‌های تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و نیز بخش‌هایی از گرجستان، جزو ایران می‌باشند و باید آزاد شوند، گله‌مند و معترض بود. شوروی همگام با آمریکا و دیگر اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد به قطعنامه ۵۹۸ رأی مثبت داد. مسکو به اندازه آمریکا دغدغه



جدی نسبت به مسئله جنگ ایران و عراق نداشت؛ زیرا خود درگیر بحران افغانستان بود. شوروی پیشنهاد آمریکا برای تحریم تسلیحاتی ایران را تأیید نکرد. آنچه در این دوره، بزرگ‌ترین ضربه را بر روابط ایران و شوروی وارد کرد، حادثه‌ای بود که در پایان فوریه رخ داد. عراق به حمله موشکی علیه تهران متوسل شد. رهبری ایران، اتحاد شوروی را به تأمین و تسلیح عراق به این موشک‌ها متهم کرد. معترضان ایرانی با فریادهای «مرگ بر روسیه» به سوی سفارت شوروی در تهران و سرکنسولگری آن در اصفهان راه‌پیمایی کردند.

هرچند مسکو تحویل موشک به عراق را انکار کرد، ولی رهبری ایران آن را نپذیرفت و آیت‌الله رفسنجانی اخطار کرد: «مردم ایران هرگز گستاخی اتحاد شوروی در تسلیح عراق به موشک را فراموش نخواهند کرد. این اقدام بر روابط آینده با اتحاد شوروی تأثیر خواهد گذاشت.» آیت‌الله رفسنجانی همچنین در یک نشست خبری اظهار داشت که شوروی به تازگی با در اختیار عراق قرار دادن موشک و فراهم آوردن قطعاتی برای تغییر آن و گسترش دامنه عمل آن، «سیاست ریاکارانه و فریبکارانه‌ای را در پیش گرفته است» (Ivanov, 2002: 33). هر چند مسافرت آقای هاشمی به مسکو پیش از رحلت امام خمینی (ره) برنامه‌ریزی شده بود، ولی کمتر از سه هفته پس از تشییع پیکر امام (ره) انجام گردید. آقای هاشمی در اتحاد شوروی از مسکو، لنینگراد و باکو دیدن کرد و پس از برگزاری مراسم نماز جمعه، برای مردم آذربایجان سخنرانی کرد. ج.ا.ایران و شوروی در مورد اعلامیه‌ای در زمینه اصول روابط به توافق رسیدند و شوروی، منافی از توافقات بلندمدت در زمینه همکاری‌های اقتصادی و فنی و نیز ترتیبات کنسولی جدید به دست آورد. در اطلاعیه‌های رسمی مشترک که در خلال این دیدار صادر گردید، ایران و شوروی اعلام کردند که دیدگاه‌هایشان در مورد جنگ خلیج فارس، هماهنگ و سازگار است. آنها خواستار خروج همه ناوگان‌های بیگانه از منطقه شدند، تا خود دولت‌های منطقه، امنیت و ثبات آن را تأمین نمایند. هر دو کشور

از افغانستان مستقل و غیرمتعهد و اسلامی حمایت کردند که روابط دوستانه با همسایگان داشته باشد و در مورد ترتیبات اقتصادی نیز به توافق رسیدند.

### ۵-۳. عملگرایی ژئوپلیتیکی در روابط ج.ا.ایران و روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی

در این دوره که از سال ۱۹۹۱ شروع و با برخی تعدیل‌ها در سال ۱۹۹۵ به پایان رسید، روسیه کم‌وبیش به تعهدهای پیشین خود - قراردادهای نظامی سال ۱۹۸۹ - با ایران وفادار ماند، هر چند در ابعاد سیاسی و امنیتی، روابط عمده‌ای میان دو کشور وجود نداشت. به هر حال، در نیمه نخست دهه ۱۹۹۰، سیاست خارجی روسیه بسیار متأثر از روابط با غرب و فشارهای آمریکا بود؛ به گونه‌ای که در دو نوبت، در برابر این فشار تسلیم شد. مورد اول، در قضیه فروش موتور موشک به هند در سال ۱۹۹۳ بود که با وجود انعقاد قرارداد میان دو طرف، به دلیل فشارهای آمریکا آن را لغو کرد. مورد دیگر، توافقنامه گور - چرنومردین در مورد عدم تمدید قراردادهای نظامی با ایران پس از سال ۱۹۹۹ (اتمام قراردادهای ده‌ساله ۱۹۸۹) بود که در سال ۱۹۹۵ به وقوع پیوست.

در سال ۱۹۹۲ که جمهوری اسلامی ایران کوشید تا کشورهای مسلمان جدا شده از شوروی را وارد سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) نماید با نگرانی و مخالفت روس‌ها مواجه شد و سرگئی شاخرای<sup>۱</sup> هشدار داد که این جمهوری باید بین روسیه و همسایگان جنوبی یکی را انتخاب کنند. در مجموع، تأثیر این طرز تفکر بر مواضع روسیه نسبت به ایران این بود که رهبری روسیه نه خواهان استقرار روابط نزدیک با ایران بود و نه میل داشت موجب آن شود که ایران نقش مهم‌تری را در جمهوری‌های جنوبی ایفا کند. مجموعه رفتارهای ایران در نیمه نخست دهه ۱۹۹۰ در قبال مسائل قره‌باغ، تاجیکستان، چین و افغانستان، در مقایسه با مواضع دولت‌هایی مانند ترکیه، پاکستان و عربستان، مقام‌های روس را به این نتیجه رسانده بود که برخلاف تصور اولیه

1. Sergei Shakh-ray

آنها که متأثر از غرب بود، برای ایران دوره سازندگی، ضرورت‌های اقتصادی و تقویت بنیه دفاعی از اهمیت زیادی برخوردار بود. در این دوران تاریخی، روسیه می‌توانست حمایت‌های را لازم از سیاست‌های راهبردی ایران برای تأمین نیازهای تسلیحاتی در دوران پس از جنگ فراهم سازد.

### ۳-۶. نشانه‌های عملگرایی راهبردی در روابط ج.ا.ایران و روسیه

لغو توافقنامه گور - چرنومردین و ملاقات رؤسای جمهور دو کشور در نیویورک، سفر وزیر دفاع روسیه به ایران و بازدید رئیس‌جمهور ایران از مسکو در سال ۲۰۰۰، که منجر به انعقاد موافقتنامه‌های ده‌ساله همکاری دوجانبه شد، در کنار مقاومت روسیه در برابر فشارهای آمریکا و رژیم صهیونیستی برای لغو قرارداد ساخت راکتورهای هسته‌ای همگی نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی ایران جایگاه مناسب‌تری در سیاست خارجی روسیه در دوره پوتین یافت. در سند «تدبیر سیاست خارجی روسیه» که در سال ۲۰۰۰ منتشر شد، در اولویت‌های سیاست خارجی روسیه، موضوع همکاری منطقه‌ای با ایران در زمره اولویت‌های راهبردی تلقی می‌شد. گفتنی است که چنین روابطی در اولویت چهارم قرار داشت. اولویت اول مربوط به چگونگی همکاری با کشورهای جامعه مستقل مشترک‌المنافع بوده است. اولویت دوم مربوط به چگونگی همکاری‌های روسیه و کشورهای اروپایی بوده است. روسیه همواره خود را کشوری اروپایی دانسته و تلاش دارد تا زمینه‌های گسترش روابط روسیه - اروپا در چارچوب خانه مشترک اروپایی را فراهم آورد. اولویت سوم در روندهای سیاست خارجی روسیه مربوط به چگونگی روابط با ایالات متحده بوده است. ایران، چین و هند در اولویت چهارم سیاست خارجی روسیه قرار می‌گیرند. در سندی با عنوان «بررسی سیاست خارجی روسیه» در سال ۲۰۰۷ نیز این اولویت‌بندی همچنان محفوظ مانده است. از نظر «رابرت فریدمن»<sup>۱</sup>، تحلیلگر ارشد مسائل

خاورمیانه، در بین تمامی دولت‌های خاورمیانه، شاید برای روسیه هیچ کدام مهم‌تر از ایران نباشند. موقعیت راهبردی ج.ا.ایران در خلیج فارس، اهمیتش به‌عنوان یک شریک تجاری، و روابط و منافع ایران در جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، همه اینها توجه مسکو را به خود جلب کرده است (فریدمن، تابستان ۱۳۸۱: ۶۵). دولت روسیه، ایران را به‌عنوان بازار مهمی برای سلاح‌ها و نیز نیروگاه هسته‌ای روسیه را به‌عنوان راهی برای نشان دادن استقلال خود از ایالات متحده ارزیابی می‌کند. همچنین، دو کشور در مبارزه با نفوذ ترکیه در آسیای مرکزی و ماورای قفقاز، مخالفت با نیروهای طالبان در افغانستان و مسائل آذربایجان، با یکدیگر منافع مشترکی دارند. تهران به کمک دیپلماتیک مسکو برای مقابله با تلاش‌های واشنگتن در منروی کردن ایران نیازمند است. دانیل بیمن<sup>۱</sup> و نظریه‌پردازان دیگری مانند فریدمن بر این موضوع تأکید دارند که «یک ایران غیرهسته‌ای، مهم‌ترین همکار برای روسیه در منطقه خاورمیانه است» (Bayman & Others: 2001: 45).

روسیه امروز، در فشارهای روانی، سیاسی و نظامی آمریکا و اتحاد اروپا، به کشورهای مستقل جهان اهمیت بیشتری می‌دهد، اما جایگاه ایران در سیاست خارجی روسیه را باید با توجه به واقعیت‌ها و اولویت‌های موضوعی و منطقه‌ای سیاست خارجی مسکو درک کرد. در نگرش روسیه، نشانه‌هایی از اقدام‌های مخاطره‌آفرین بین‌المللی علیه هدف‌های منطقه‌ای آن کشور وجود دارد. به همین دلیل است که روسیه، ایران را به‌عنوان نیروی بالقوه برای ائتلاف راهبردی نمی‌شناسد.

«مشخصه اصلی روابط ایران و روسیه در ۳۶ سال اخیر و در آینده این است که با وجود شرایط سیاست بین‌الملل، امکان‌پذیری روابط راهبردی کار دشواری به‌نظر می‌رسد. سیاست‌های اعلامی مثبتی مطرح گردیده، اما رابطه، راهکنشی بوده است. روس‌ها تمایل دارند تا انتظارات ژئوپلیتیک ایران را تعدیل نمایند. برخورد روس‌ها با مسائل داخلی ایران در قالب یک واقع‌گرایی سطحی است، آنها بیشتر به رفتار ایران و پاداش غرب نگاه می‌کنند.

در مورد مسائل هسته‌ای نیز برای آنها مهم است که اروپا چه کار می‌کند. آنها نگاه می‌کنند که جایگاه ایران در نظام بین‌الملل چگونه تعریف می‌شود» (Rees & Aldrich, 2005: 14). وضع موجود در خزر، انتقال انرژی منطقه، رژیم صهیونیستی، فروش سلاح به امارات و سوءظن تاریخی دو کشور، اولویت اول روسیه در روابط با ایران است، اما نگاه ایران به روسیه بیشتر جنبه راهبردی دارد و می‌خواهد روسیه را به لحاظ راهبردی و سیاسی با خود همراه داشته باشد. روس‌ها نگران روابط ایران و آمریکا هستند و هنوز نیروگاه بوشهر را تمام نکرده‌اند، در حالی که در این مدت، امکان داشت چندین نیروگاه ساخته شود» (Layne, 2006: 15).

#### ۴. الگوی مفهومی در تبیین کنش فرایندهای دیوان‌سالارانه در الگوی تعامل راهبردی ج.ا.ایران و روسیه

روندهای جدید سیاست خارجی در شرایطی شکل می‌گیرد و یا سازماندهی می‌شود که سازوکارهای قدرت، مورد پذیرش سایر بازیگران قرار گیرد. الگوی تعامل ج.ا.ایران و روسیه می‌تواند ماهیت راهبردی، صنعتی و یا تجاری داشته باشد. تاریخ سیاسی ایران نشان داده است که اگرچه روسیه همواره از انگیزه لازم برای گسترش روابط تجاری و صنعتی با ایران بهره گرفته، اما این کشور هیچ‌گاه ایجاد سازوکارهای مبتنی بر روابط راهبردی با ایران را در دستورکار قرار نداده است. کشورهایی که از سازوکارهای فراگیر قدرت برخوردارند، طبیعی است که تلاش می‌کنند تا الگوی روابط را بر مبنای طیف گسترده‌ای از روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دیپلماتیک تنظیم نمایند. چنین رویکردی به مفهوم آن است که روابط ج.ا.ایران و روسیه بدون توجه به چنین سازوکارهایی نمی‌تواند در طولانی‌مدت از کارآمدی و اثربخشی برخوردار باشد. سازوکارهای کنش راهبردی روسیه در برخورد با ایران و همچنین ضرورت‌های رفتاری ایران در برخورد با روسیه را می‌توان در الگوی مفهومی ارائه‌شده مشاهده نمود.

گفتنی است که در این الگو، مشخص شده است که روسیه در همکاری با ایران از چهار راهبرد استفاده می‌کند. «راهبرد مشارکت در بحران‌های منطقه‌ای» را می‌توان معطوف به مقابله با تهدیدهای کم‌شدت دانست. اگرچه روسیه پس از فروپاشی ساختار دوقطبی، موقعیت خود را در نظام جهانی از دست داده است، اما واقعیت‌های موجود بیانگر آن است که روسیه تلاش دارد تا موقعیت منطقه‌ای خود را در حوزه‌های مختلف جغرافیایی ارتقا دهد. به همین دلیل است که روسیه تلاش می‌کند تا نقش مؤثرتری در مدیریت بحران و مقابله با تهدیدهای ناهمگون ایفا نماید. بهره‌گیری از سازوکارهایی از جمله «مشارکت روسیه با ایران در بحران سوریه»، «مقابله مشترک روسیه و ایران با بنیادگرایی مذهبی در خاورمیانه» و «مقابله مشترک ایران و روسیه با تروریسم و گروه‌های تروریستی از جمله داعش و النصره» را می‌توان در حوزه مربوط به راهبرد اول روسیه در همکاری با ایران دانست.

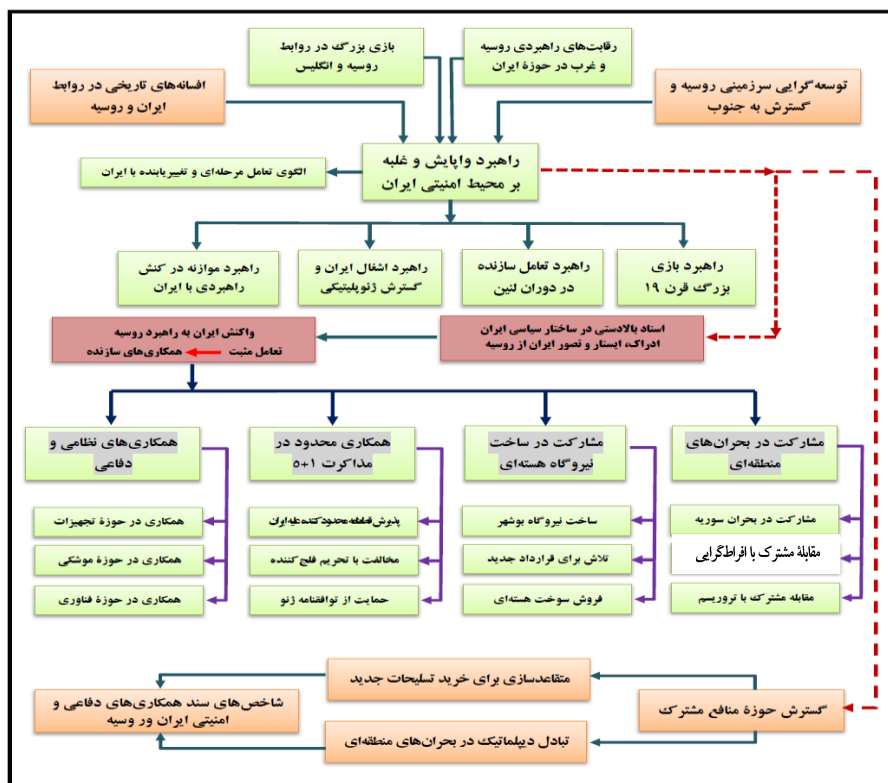
دومین نشانه همکاری روسیه و ایران که در الگوی مفهومی مورد توجه و تأکید قرار گرفته را می‌توان «مشارکت در ساخت و بهره‌برداری از نیروگاه هسته‌ای» دانست. چنین راهبردی در راستای تقویت قابلیت‌های صنعتی ایران تنظیم گردیده و از سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰ مورد توجه مقام‌های اتحاد شوروی قرار داشته است. سازماندهی ذوب‌آهن اصفهان، تراکتورسازی و ماشین‌سازی تبریز را باید در زمره راهبرد مشارکت در فرایند صنعتی‌شدن ایران براساس شاخص‌های موج دوم انقلاب صنعتی دانست. چنین فرایندی را می‌توان در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ارتباط با ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر مورد ملاحظه قرار داد. اگرچه تکمیل و راه‌اندازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر در فرایند طولانی به انجام رسید، اما اقدام‌هایی از جمله «ساخت نیروگاه بوشهر»، «تلاش برای انعقاد قرارداد جهت تأسیس نیروگاه هسته‌ای جدید» و همچنین «فروش سوخت هسته‌ای» به ایران را باید در زمره راهبردهای روسیه در برخورد با ایران تلقی نمود.

سومین سطح راهبردی روسیه در روند همکاری با ایران مربوط به «همکاری‌های محدود در مذاکرات هسته‌ای گروه ۵+۱» بوده است. در این ارتباط، روسیه از سازوکارهای ترکیبی در برخورد با ایران بهره گرفته است. انجام اقدام‌هایی مانند «حمایت از قطعنامه‌های محدودکننده علیه ایران» مانند مفاد قطعنامه‌های ۱۶۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ را می‌توان از جمله اموری دانست که روسیه همراه با جهان غرب علیه ایران انجام داده است. به موازات حمایت روسیه از قطعنامه‌های یادشده، این کشور از راهبرد «مخالفت با تحریم‌های فلج‌کننده یکجانبه علیه ایران» بهره گرفته است. چنین راهبردی را می‌توان از سال ۲۰۱۱ به بعد مورد ملاحظه قرار داد؛ به عبارت دیگر، از زمان قطعنامه ۱۹۲۹ که تحریم‌های اقتصادی، مالی، بانکی و تجاری آمریکا علیه ایران گسترش پیدا کرد، روسیه تلاش داشته است تا در برابر محدودیت‌های فراگیر جهان غرب علیه ایران، واکنش‌های مثبت و سازنده را به انجام رساند. در این فرایند، روسیه سازوکار دیگری مانند «راهبرد فروش سوخت هسته‌ای» به ایران را در دستورکار قرار داده است. در این راهبرد، روسیه ۲۸ تن سوخت هسته‌ای ۴/۵ درصد را در فرایند راه‌اندازی نیروگاه بوشهر به ایران فروخته است. گفتنی است که نظارت بر میزان سوخت، تعویض لوله‌های سوخت و پسماند سوخت هسته‌ای که می‌تواند در روند تولید پلوتونیم مورد استفاده قرار گیرد، در فضای نظارتی کارشناسان روسیه قرار گرفته است.

چهارمین راهبرد روسیه در همکاری با ایران که در الگوی مفهومی به آن اشاره شده است را باید در قالب «همکاری‌های نظامی و دفاعی» مورد سنجش قرار داد. روسیه از اواخر دهه ۱۹۶۰ و به موازات همکاری‌های صنعتی با ایران تلاش داشته است تا همکاری‌های نظامی با ایران را گسترش دهد. تجهیزاتی که به ایران فروخته هیچ‌گونه تأثیری در موازنه قدرت به‌جا نگذاشته است؛ به عبارتی، می‌توان فرایندی مورد ملاحظه قرار داد که روسیه در دوران پس از دفاع مقدس، همکاری‌های نظامی خود با ایران را

گسترش داده است. درباره همکاری‌های نظامی و دفاعی روسیه با ایران رویکردهای متفاوتی ارائه شده است، اما این همکاری‌ها بیشتر در حوزه طرح‌های موشکی، تجهیزات نظامی در قالب صنایع دفاعی و همچنین فناوری‌های دفاع هوایی بوده است. هر یک از این حوزه‌های دفاعی را می‌توان به‌عنوان بخشی از قابلیت راهبردی روسیه در فرایند همکاری با ایران دانست. تمامی مؤلفه‌های چهارگانه یادشده نشان می‌دهد که «راهبرد روسیه در همکاری با ایران» بیشتر معطوف به همکاری‌های کم‌شدت در ارتباط با قابلیت‌های ابزاری و فنی بوده که تأثیر چندانی در موازنه منطقه‌ای به‌جا نمی‌گذارد. شکل‌بندی کلان‌الگوی مفهومی را می‌توان در قالب نمودار زیر مورد توجه قرار داد:

نمودار شماره ۱. الگوی مفهومی راهبردهای روسیه در کنش متقابل با ج.ا.ایران





با توجه به مؤلفه‌های یادشده، می‌توان عوامل تضعیف‌کننده و تقویت‌کننده روابط ایران و روسیه را در قالب جدول زیر ملاحظه نمود. هر یک از این مؤلفه‌ها می‌تواند تأثیر جانبی بر فرایند روابط ج.ا.ایران و روسیه به‌جا گذارند؛ به عبارتی، می‌توان فرایندی را مورد ملاحظه قرار داد که به‌موجب آن، روسیه می‌تواند نقش همکاری‌جویانه در ارتباط با ایران را پیگیری نماید. ایفای چنین نقشی نیازمند آن است که عوامل تأثیرگذار در روابط در قالب الگوهای همکاری متقابل و چندجانبه حاصل گردد.

جدول شماره ۱. عوامل تضعیف‌کننده و تقویت‌کننده روابط ج.ا.ایران و روسیه و نشانه‌های تأثیرگذار بر این روابط

عوامل مؤثر در روابط ج.ا.ایران و روسیه	نشانه‌های تأثیرگذار بر روابط ج.ا.ایران و روسیه	
عوامل تضعیف‌کننده و محدودکننده	ارتقای قابلیت‌های راهبردی ایران در فرایند غنی‌سازی اورانیوم	
	ارتقای قابلیت‌های راهبردی ایران در فرایند فعالیت‌های راکتور آب سنگین اراک	
	گسترش همکاری‌های ایران با گروه‌های اسلام‌گرا در جمهوری فدراتیو روسیه	
	گسترش همکاری‌های ایران با گروه‌های اسلام‌گرا در جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع	
	دستیابی ایران به سلاح‌های راهبردی از جمله موشک‌های بالستیک	
	پافشاری ایران بر رژیم حقوقی دریای خزر براساس الگوی ۲۰ درصد	
	گسترش همکاری ایران با گرجستان	
	افزایش نقش ایران در لوله خط ناپوکو	
	عدم توازن در مقیاس مبادله اقتصادی ایران و روسیه	
	محدودبودن همکاری‌های تجاری ایران و روسیه	
عوامل تقویت‌کننده و ارتقاءدهنده	ذهنیت تاریخی ایران نسبت به روسیه	
	ذهنیت ژئوپلیتیکی روسیه نسبت به ایران	
	رویکرد و اقدام‌های انتقادی ایران نسبت به حقوق و سیاست بین‌الملل	
	چگونگی انتقال انرژی از مبدأ دریای خزر	
	گسترش همکاری‌های مالی و بانکی	
	گسترش همکاری‌های گازی ایران و روسیه به‌ویژه در چارچوب اکوی گازی	
	بهبودسازی ساختار دیوان‌سالارانه در روابط تجاری ایران و روسیه	
	همکاری‌های نظامی و مشارکت در رزمایش‌های دفاعی	
	مقابله با تروریسم در منطقه	
	گسترش همکاری‌ها در حوزه کشورهای ساحلی دریای خزر	
عوامل تقویت‌کننده و ارتقاءدهنده	مشارکت ایران در شانگهای	
	تبادل دانشجو و انجام پژوهش‌های مشترک درباره موضوع‌های راهبردی	
	تنظیم سند همکاری‌های نظامی، دفاعی و راهبردی	
	سازماندهی وب‌گاه‌های اطلاعاتی درباره موضوعات تجاری	
	همکاری‌های فرهنگی متقابل	
	گسترش همکاری در حوزه‌های انرژی از جمله نفت، گاز، انرژی اتمی و برق	
	گسترش همکاری‌های صنعتی در حوزه‌های صنایع خدماتی و راهبردی از جمله هواپیماسازی	
	سرمایه‌گذاری مشترک در زمینه حمل و نقل	

## ۵. امکان‌پذیری همکاری‌های راهبردی ج.ا.ایران و روسیه در قالب

### عملگرایی راهبردی

ائتلاف راهبردی ایران و روسیه فقط در شرایطی امکان‌پذیر است که ج.ا.ایران با تمامی شاخص‌های راهبردی روسیه در قالب یک قدرت بزرگ جهانی هماهنگی داشته باشد. چنین الگویی را هم‌اکنون کشورهایی از جمله سوریه، ارمنستان و قزاقستان در دستورکار قرار داده‌اند. همکاری روسیه با کشورهای یادشده، ماهیت اقماری دارد. به‌طور کلی باید بر این امر تأکید داشت که روسیه فقط با کشورها و بازیگرانی ائتلاف راهبردی خواهد داشت که آنان بخشی از ائتلاف ایدئولوژیک، امنیتی و یا ژئوپلیتیکی با روسیه را تشکیل دهند. در چنین فرایندی، ایران که از سازوکارهای سیاست خارجی مبتنی بر «رهیافت نه‌شرقی و نه‌غربی» استفاده می‌کند، قادر نخواهد بود تا در جایگاه راهبردی در ائتلاف با روسیه قرار گیرد. واقعیت‌های انقلاب اسلامی و شکل‌بندی رفتار سیاست خارجی ج.ا.ایران آن است که هیچ‌گونه تمایلی به اتخاذ راهبرد مبتنی بر دنباله‌روی و حمایت همه‌جانبه سیاست خارجی ایران نسبت به راهبردهای امنیتی روسیه وجود ندارد.

#### ۱-۵. الگوی ائتلاف راهکنشی ج.ا.ایران و روسیه

الگوی ائتلاف راهکنشی ایران و روسیه مربوط به شرایطی است که ایران در ساختار راهبردی روسیه قرار نمی‌گیرد، اما بسیاری از سیاست‌های امنیتی روسیه را مورد توجه و پذیرش قرار می‌دهد؛ برای مثال می‌توان فرایندی را مورد توجه قرار داد که به‌موجب آن، ایران از سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه حمایت کند؛ به‌عبارت دیگر، در چارچوب ائتلاف راهکنشی ایران و روسیه، اگر بحران گرجستان در مورد آبخازیا و اوستیا شکل گیرد و یا اینکه در شرایطی که بحران اوکراین در مورد شبه‌جزیره کریمه و

یا ساخت قدرت دولت یاناکوویچ به وجود آید، ایران از سیاست خارجی و امنیتی روسیه در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی حمایت می‌نماید.

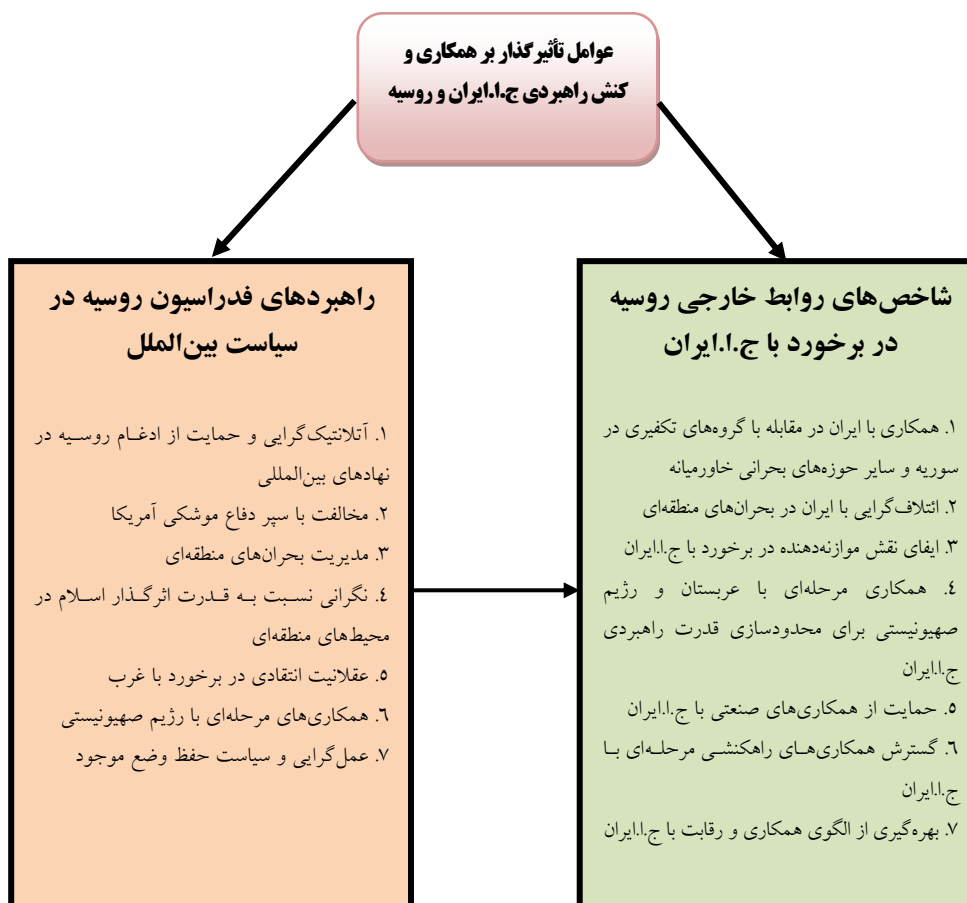
گفتنی است که اتخاذ چنین راهبردهایی معطوف به آن است که ایران از سیاست حمایتی در ارتباط با روسیه استفاده نماید. روندهای سیاست خارجی ج.ا.ایران و روسیه نشان می‌دهد که نشانه‌هایی از تفاوت ادراکی و تحلیلی در روابط متقابل مشاهده می‌شود؛ به عبارت دیگر، ایران و روسیه فقط در شرایطی می‌توانند الگوهای کنش متقابل و همکاری‌جویانه را پیگیری نمایند که زمینه برای توافق درباره موضوع‌هایی از جمله رژیم حقوقی دریای خزر به وجود آید. در شرایطی که ایران و روسیه هنوز نتوانسته‌اند روندهای مربوط به همکاری برای تنظیم رژیم حقوقی دریای خزر را فراهم آورند، طبیعی است که امکان دستیابی به ائتلاف راهکنشی در روابط ایران و روسیه کار دشواری خواهد بود.

## ۲-۵. الگوی ائتلاف مرحله‌ای ج.ا.ایران و روسیه

مهم‌ترین الگوی ارتباطی ایران و روسیه را باید بهره‌گیری از سازوکارهای مربوط به ائتلاف مرحله‌ای دو کشور در برخورد با موضوع‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دانست. تنظیم سند همکاری‌های ایران و روسیه فقط در حوزه مشارکت، همکاری‌های متقابل و ائتلاف مرحله‌ای امکان‌پذیر است. چنین سطحی از روابط راهبردی می‌تواند ماهیت راهکنشی و عملیاتی داشته باشد؛ بنابراین کشورهایمانند ایران که تمایلی برای حمایت فراگیر و همه‌جانبه از سیاست‌های آمریکا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس ندارند، می‌توانند با سیاست‌های منطقه‌ای روسیه در قالب ائتلاف مرحله‌ای قرار بگیرند. چنین رویکردی به معنای آن است که ایران و روسیه در برخورد با موضوع‌هایی مانند سیطره‌جویی آمریکا از انگیزه لازم برای ائتلاف مرحله‌ای برخوردارند. چنین کشورهایمانند در سیاست بین‌الملل فقط در شرایطی قادر خواهند بود تا الگوهای راهبردی با ایران را

در دستورکار قرار دهند که نشانه‌هایی از منافع متقابل مرحله‌ای وجود داشته باشد. روسیه هیچ‌گونه تمایلی به هسته‌ای شدن همه‌جانبه ایران ندارد. از سوی دیگر، روسیه ترجیح می‌دهد که موازنه منطقه‌ای با ایران به گونه‌ای تنظیم شود که منجر به مزیت نسبی جمهوری اسلامی در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی نگردد.

نمودار شماره ۲. شاخص‌ها و الگوهای راهبردی روسیه در برخورد با ج.ا.ایران



## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به محدودیت‌هایی که در فرایند همکاری‌های راهبردی ایران و روسیه وجود دارد، می‌توان شرایطی را در نظر گرفت که به‌موجب آن سطح جدیدی از همکاری‌ها با هدف‌های راهبردی ایجاد شود. تحقق چنین هدف‌هایی نیازمند آن است که زیرساخت‌های روابط متقابل ایران و روسیه در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، اطلاعاتی، امنیتی، نظامی و دفاعی سازماندهی شود. هر یک از مؤلفه‌های یادشده را باید بخشی از روابط ایران و روسیه در روند گسترش همکاری‌های راهبردی دانست.

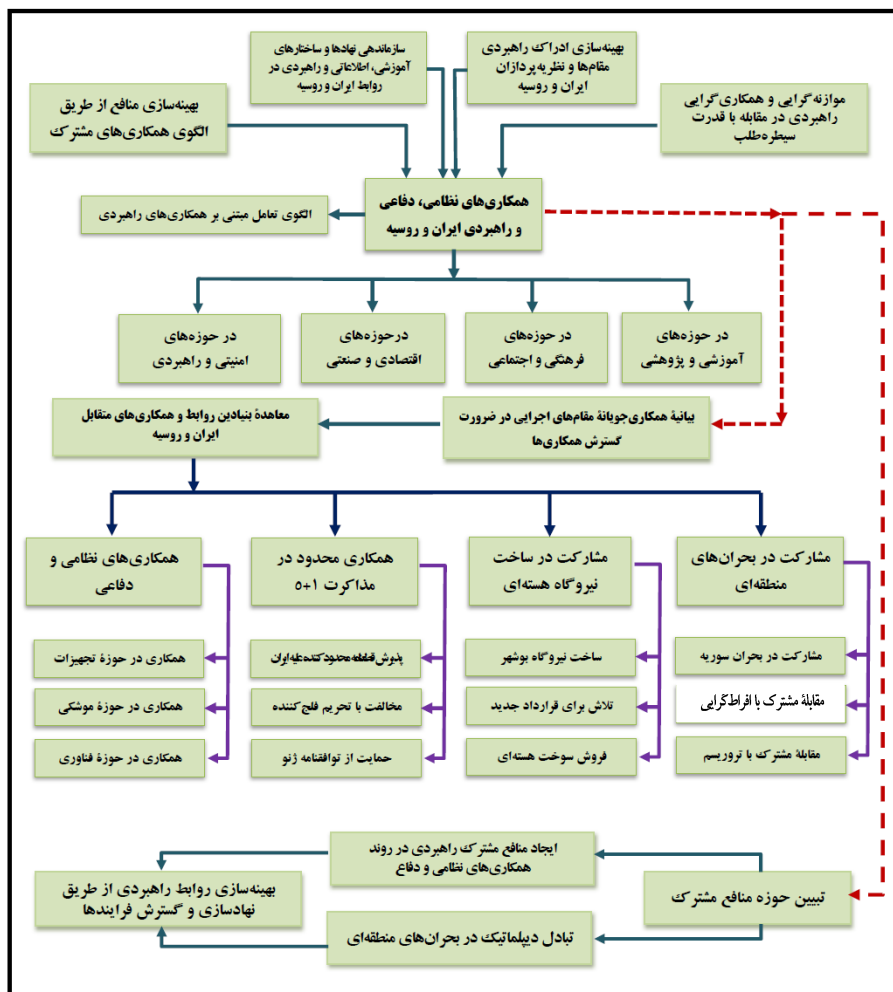
ضرورت‌های بنیادین برای بهینه‌سازی روابط ایران و روسیه که زمینه‌های لازم برای همکاری‌های دفاعی و راهبردی پایدار را امکان‌پذیر می‌سازد، می‌توان به شرح زیر بیان داشت:

- (۱) گسترش همکاری‌های مالی و بانکی،
- (۲) گسترش همکاری‌های گازی ایران و روسیه به‌ویژه در چارچوب اکوی گازی،
- (۳) بهینه‌سازی ساختار دیوان‌سالارانه در روابط تجاری ایران و روسیه،
- (۴) همکاری‌های نظامی و مشارکت در رزمایش‌های دفاعی،
- (۵) مقابله با تروریسم در منطقه،
- (۶) گسترش همکاری‌ها در حوزه کشورهای ساحلی دریای خزر،
- (۷) مشارکت ایران در شانگهای،
- (۸) تبادل دانشجو و انجام پژوهش‌های مشترک درباره موضوع‌های راهبردی،
- (۹) تنظیم سند همکاری‌های نظامی، دفاعی و راهبردی،
- (۱۰) سازماندهی وب‌گاه‌های اطلاعاتی درباره موضوع‌های تجاری،
- (۱۱) همکاری‌های فرهنگی متقابل،
- (۱۲) گسترش همکاری در حوزه‌های انرژی از جمله نفت، گاز، انرژی اتمی و برق،

(۱۳) گسترش همکاری‌های صنعتی در حوزه‌های صنایع خدماتی و راهبردی از جمله هواپیماسازی،

(۱۴) سرمایه‌گذاری مشترک در زمینه حمل و نقل.

نمودار شماره ۳. نقشه راه گسترش همکاری‌های راهبردی ج.ا. ایران و روسیه



## منابع و مآخذ

### ۱. منابع فارسی

۱. بیلینگتون، جیمز (۱۳۸۵)، روسیه در جستجوی هویت خویش، ترجمه مهدی سنایی، تهران، ایراس.
۲. زادوخین، آ.گ (۱۳۸۴)، سیاست خارجی روسیه: خودآگاهی و منافع ملی، ترجمه مهدی سنایی، تهران، مؤسسه ابرار معاصر.
۳. سجادیپور، محمدکاظم (بهار ۱۳۷۴)، گسستگی هویت در جمهوری‌های بازمانده از شوروی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹.
۴. فریدمن، رابرت (تابستان ۱۳۸۱)، روابط روسیه و ایران در دهه ۱۹۹۰، ترجمه داوود رضایی، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۶، شماره ۲.
۵. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۴)، تحولات سیاست خارجی روسیه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۶. کولایی، الهه (بهار ۱۳۸۴)، ایران و روسیه در دوران ریاست جمهوری خاتمی، فصلنامه سیاست خارجی، سال نوزدهم.

### ۲. منابع لاتین

1. Baidatz, Y (July 2001), "Bashar's First Year: From Ophthalmology to a National Vision", The Washington Institute for Near East Policy, *Policy Focus*, No 41.
2. Baklitsky, Andrey (April 2013), Why Western Competitors' Change?, *PIR Center*, Vol.3, No.4.
3. Bayman, Daniel and Other's (2001), *Security Policy after Revolution*, Santa Monica, Rand.
4. George, Alexander (1979), "Case Studies and Theory Development: The Method of Structured Focused Comparison", in: P.O. Lauren (ed.), *Diplomacy: New Approaches in History. Theory and Policy*. New York, The Free Press.
5. Hansen, B (2000), *Unipolarity and the Middle East*, Richmond, Curzon.
6. Ivanov, Igor (2002), *The New Russian Diplomacy*, Washington D.C, Brooking.
7. Legrold, Robert (Oct-Dec 2006), "US- Russian Relation", *Russia in Global Affairs*, Vol 4, No 4.
8. Layne, C (2006), "The Unipolar Illusion Revisited: The Coming End of the United States' Unipolar Moment", *International Security*, Vol 31, No 2.
9. Rees, W. and Aldrich, R.J (2005), "Contending Cultures of Counterterrorism: Transatlantic Divergence or Convergence?", *International Affairs*, Vol 81, No 5.

